نشر الگو

موج ۲۰

مرحله‌ای و جامع

ویژهٔ آمادگی شرکت در امتحان‌های نهایی و نیم‌سال

عربی دوازدهم

(ریاضی-تجربی)

محسن آهویی، عرفان جالیزی

- امتحان‌های درس به درس
- امتحان‌های نیم‌سال اول و دوم
- امتحان‌های شبیه‌سازنهایی
- امتحان‌های نهایی اخیر
- نکات آموزشی برای مرور
- پاسخ‌های تشریحی + کلید تصحیح

مقدمه

«یا مَن في البِحارِ عَجائِبُهُ» (دعای جوشن کبیر، فراز ۵۸)

احتمـالاً وقتـی همه‌مـون با دریا مواجه می‌شـیم، اوّلین چیـزی که توجّه‌مون رو به خـودش جلب می‌کنه، موج‌های دریاسـت که هم صدای گوش‌نوازی داره و هم آرامشی مثال‌زدنی برامون به ارمغان میاره. شاید سؤالی که همیشه برامون پیش اومده این باشه که اصلاً چرا موج دریا انقدر آرامش‌بخشه؟ چرا موج دریا می‌تونه برای لحظات طولانی، آدم رو محو خودش کنه؟

راسـتش رو بخواین هیچ دلیل (یا به قول شـما جَوونا فکت) علمی‌ای نتونسـتیم براش پیدا کنیم به‌جز: اوّل اینکه موج به یه پشـتوانهٔ عظیم به نام دریا تکیه زده و نمایان‌گر گوشـه‌ای از پهناوری دریاسـت و دوم این ویژگی خاصّ موج که خیلی تکرار می‌شـه، خیلی پشـتِ همه، اصلاً یه‌جورایی نمی‌ذاره به آدم احساس خلأ دست بده.

خـب؟ این‌همـه راجع‌بـه «موج» حرف زدیم که بگیم کتاب «موج ۲۰ عربـی دوازدهم» همون دو تا ویژگی رو داره کـه موج دریا داره؛ یعنی هم به یه پشتوانهٔ محکم تکیه زده (می‌دونید که منظورمون کتاب عربی دوازدهم تمامه دیگه!) و هم انقدر با آزمون‌های مبحثی و نیم‌سال و پایان‌سال و شبه‌نهایی، مطالب رو تکرار می‌کنه که اون آرامش روزهای قبل از امتحان نهایی‌تون رو تضمین می‌کنه.

کتاب «موج ۲۰ عربی دوازدهم» بر اسـاس آخرین تغییرات کمّی و کیفی امتحان نهایی نگارش شـده؛ از ایجاد تغییرات جدّی در ترجمه‌ها تا درک مطلب‌هایی که عین متن کتاب نیستن و اگه ما قبلش، چندین و چند بار این مدل آزمون‌ها رو ندیده باشیم، می‌تونن برامون دردسرهای جدّی‌ای ایجاد کنن. به نظر ما، رسـالت اصلی این کتاب اینه که کاری کنه شـما قبل از امتحان نهایی، چند بار امتحان نهایی بدید، تصحیح کنید، رفع اشکال کنید و سرانجام، با کوله‌باری از آزمون و خطا، تجربه و آگاهی، به امتحان نهایی پا بذارید.

در این کتاب تلاش کرده‌ایم تا

- ۸ آزمون استاندارد درس به درس با استفاده از منتخب سؤالات امتحانات نهایی ادوار گذشته به همراه پاسخ‌نامهٔ کاملاً تشریحی تألیف شود.
- ۸ آزمون استاندارد نیم‌سال اوّل و دوم با رویکرد تماماً تألیفی به همراه پاسخ‌نامهٔ تشریحی تدوین شود.
- ۶ آزمون استاندارد شبه‌نهایی (کلّ کتاب) با رویکرد تماماً تألیفی به همراه راهنمای تصحیح تنظیم گردد.
- ۶ آزمون منتخب امتحانات نهایی سنوات اخیر به همراه کلید ادارهٔ کلّ ارزشیابی آموزش و پرورش گردآوری شود.

در پایان لازم می‌دانیم از همکاران ارزشمندمان در انتشارات الگو، سرکار خانم ستین مختار مدیر واحد ویراستاری و حروفچینی و سرکار خانم مریم احمدی برای حروفچینی و صفحه‌آرایی کتاب، تشکّر و قدردانی نماییم. همچنین از سرکار خانم منیژه خسروی که زحمت ویراستاری علمی کتاب را تقبّل فرمودند، سپاسگزاری می‌نماییم.

مع‌الوصف، از تمام صاحب‌نظران، اسـاتید گران‌قدر و دانش‌آموزان تلاش‌گر سراسـر کشور خواهشمندیم، این اثر را از انتقادات و پیشنهادات سازندهٔ خویش محروم نسازند و ما را در بهبود اثربخشی آن، یاری کنند.

یا علی

دوستدارانتان: محسن آهویی - عرفان جالیزی

فهرست مطالب

آزمون‌های درس به درس و نیم‌سال

آزمون ۱: درس اول ۲
آزمون ۲: درس اول ۵
آزمون ۳: درس دوم ۷
آزمون ۴: درس دوم ۹
آزمون ۵: نیم‌سال اول (۱) ۱۱
آزمون ۶: نیم‌سال اول (۲) ۱۳
آزمون ۷: نیم‌سال اول (۳) ۱۵
آزمون ۸: نیم‌سال اول (۴) ۱۷
آزمون ۹: نیم‌سال اول (۵) ۱۹
آزمون ۱۰: نیم‌سال اول (۶) ۲۱
آزمون ۱۱: درس سوم ۲۳
آزمون ۱۲: درس سوم ۲۵
آزمون ۱۳: درس چهارم ۲۷
آزمون ۱۴: درس چهارم ۲۹
آزمون ۱۵: نیم‌سال دوم (۱) ۳۱
آزمون ۱۶: نیم‌سال دوم (۲) ۳۳

آزمون‌های شبه‌نهایی و نهایی

آزمون ۱۷: کل کتاب (۱) - شبه‌نهایی ۳۵
آزمون ۱۸: کل کتاب (۲) - شبه‌نهایی ۳۷
آزمون ۱۹: کل کتاب (۳) - شبه‌نهایی ۳۹
آزمون ۲۰: کل کتاب (۴) - شبه‌نهایی ۴۱
آزمون ۲۱: کل کتاب (۵) - شبه‌نهایی ۴۳
آزمون ۲۲: کل کتاب (۶) - شبه‌نهایی ۴۵
آزمون ۲۳: کل کتاب (۷) - نهایی خرداد ۱۴۰۲ ..... ۴۷
آزمون ۲۴: کل کتاب (۸) - نهایی شهریور ۱۴۰۲ ..... ۴۹
آزمون ۲۵: کل کتاب (۹) - نهایی دی ۱۴۰۲ ..... ۵۱
آزمون ۲۶: کل کتاب (۱۰) - نهایی خرداد ۱۴۰۳ ..... ۵۳
آزمون ۲۷: کل کتاب (۱۱) - نهایی مرداد ۱۴۰۳ ..... ۵۵
آزمون ۲۸: کل کتاب (۱۲) - نهایی دی ۱۴۰۳ ..... ۵۷

پاسخ‌های تشریحی ۶۰

آزمون ۳

موضوع آزمون: درس دوم

صفحات پاسخ: ۶۴ تا ۶۶

امتحان نهایی: عربی ۳	رشته: ریاضی فیزیک - علوم تجربی	تألیفی	مدت امتحان: ۸۰ دقیقه

ردیف	سؤالات	نمره
۱	تَرجِم الكلمات الّتي تحتها خطٌّ: الف) الغارُ يَقَعُ فوقَ قِمَّةِ جَبَلِ النّور. ب) سَمَكَةُ التّيلابيا مِن أغرَبِ الأسماكِ. ج) السَّمَكةُ تُطْلِقُ قطراتِ الماءِ مُتَتالِيَةً. د) فَاتَّصَلَ السّيِّدُ مُسلميٌّ بِصَديقِهِ مُصَلِّحِ السَّيّاراتِ.	۱
۲	عيِّن المتضادّ و المُترادف في النّصّ التّالي: «أبي الشابّ إستَطاعَ أن يَصعَدَ أعلى الجبلِ و لكنَّ جدّي العجوز في الطريق عَزَمَ أن يَنزلَ منه و قَدَرَ أن يَذهَبَ إلى الفندق الّذي في هذه المدينة للإستراحةِ» الف) ..... = ... ب) ..... ≠ ..... ج) ..... ≠	۰/۷۵
۳	عَيِّنِ الكَلِمَةَ الغريبَة في المَعنَى: ۱) الدَّم ۲) المِلَفّ ۳) العَظم ۴) اللَّحم	۰/۲۵
۴	أُكْتُب المَطلوبَ مِنكَ: الف) جمع كلمَة «القِمَّة»: ب) مُفرد كلمَة «الحُجّاج»:	۰/۵
۵	انتخِب الكلمَة المُناسبَة للتّوضيحات التّاليَة: الف) مكانٌ لطَيَران الطائراتِ في البلاد: ..... ۱) التِّلفاز ۲) الخيام ۳) المَطار ب) عضوٌ مِن أعضاء الجسم يَقَع في فَمِنا: ..... ۱) الأسنان ۲) الأكتاف ۳) الأعين	۰/۵
۶	تَرجِم الآيات و العبارات إلَى الفارسيَّة: الف) ﴿... رَبَّنا آتِنا فِي الدُّنيا حَسَنَةً وَ فِي الآخِرَةِ حَسَنَةً...﴾ (۰/۵) ب) ﴿يا أَيَّتُهَا النَّفسُ المُطمَئِنَّةُ ارجِعي إلَى رَبِّكِ راضِيَةً مَرضِيَّةً﴾ (۰/۷۵) ج) مَنْ أَذْنَبَ وَ هوَ يَضْحَكُ، دَخَلَ النّارَ وَ هوَ يَبكي. (۰/۵) د) إنَّ اللّهَ أنزَلَ أُولَى آياتِ القُرآنِ عَلَى النَّبيِّ في غار حراء. (۰/۵) هـ) هُواةُ سَمَكَةِ السَّهمِ مُعْجَبونَ بِهذِهِ السَّمَكَةِ. (۰/۵) و) الجرّارةُ هي السَيّارَة الّتي تُستَخدَمُ لِلعَمَلِ فِي المَزرَعَةِ. (۰/۵) ز) يَشتاقُ كُلُّ المسلِمينَ إلى الحجّ حينَ يُشاهِدونَ الحُجّاجَ فِي التِّلفازِ. (۰/۷۵) ح) كأنَّ رِجْلَ أَحَدِ المُتَفَرِّجينَ تُؤلِمُها وَ هُوَ لا يَستَطيعُ صُعودَ أعلى الجبلِ. (۰/۷۵) ط) هَل رَأيتُما غارَ ثَورٍ الّذي لَجَأَ إلَيهِ النَّبيُّ (ص) في طَريقِ هجرَتِهِ؟ (۰/۷۵) (خرداد و دی ۱۴۰۰) ی) وَصلَ الزُّوّارُ إلى الْمَطار مُتَأخِّرينَ و ما رَكبوا الطّائرةَ. (۰/۷۵) (خرداد ۱۴۰۳) ك) إلهي عامِلْنا بِفَضلِكَ و لا تُعامِلْنا بِعَدلِكَ. (۰/۷۵)	۷
۷	انتَخِبِ الصّحيحَ في التَّرجَمَةِ: الف) هذِهِ الأسماكُ تَأكُلُ الفَرائِسَ حَيَّةً. ۱) این ماهی‌ها شکارها را زنده می‌خورند. ۲) این ماهیان شکارهای زنده را می‌خورند. ب) رَأيتُ الفَلّاحَ و هُو يَجمعُ المَحصولَ. (شهریور ۹۸ و شهریور ۹۹) ۱) کشاورزی را دیدم که محصول را جمع می‌کند. ۲) کشاورز را دیدم در حالی‌که محصول را جمع می‌کرد.	۰/۵
۸	كَمِّلْ الفَراغاتِ في التَّرجمة الفارسيّة: الف) أَقوَى النّاسِ مَنْ عَفا عَدوَّهُ مُقتَدِراً. ..... مردم کسی است که دشمنش را ..... ببخشد. ب) أتَذَكَّرُ جَبَلَ النّورِ الّذي كانَ النَّبيُّ (ص) يَتَعَبَّدُ فيه. کوه نور را .....که پیامبر در آن	۱

ردیف	سؤالات	نمره
۹	تَرجِمِ الأفعالَ التّالية: «اِمتَنَعَ: خودداری کرد» الف) كانَ قَد امتَنَعَ: (خرداد ۹۹) ب) لا تَمتَنِعوا: (خرداد ۹۹) ج) قَد تَمتَنِعونَ: «تَذَكَّرَ: به یاد آورْد» د) لَم أتَذكَّرْ بَعضَ ذِكرياتي: هـ) لا يَتذكَّروا الباطلَ: و) تذَكَّروا أيّامَ شَبابِكم:	۱/۵
۱۰	عَيِّن الحال في الجملات التالية ثُمَّ تَرجم: الف) ﴿... وَ خُلِقَ الإنسانُ ضَعيفاً﴾ ب) جاءَ صَديقُهُ وَ هُوَ يَجُرُّ سَيّارَةً بِالجَرّارَةِ.	۱
۱۱	اِبحَثْ عَن هذهِ الأسماء في الجُمَلِ: أَخَـذَ السَّيّـارَةَ إلَـى مَوقِفِ التَّصليح. (دی ۹۸) - مَن عاشَ بِوَجهَينِ، ماتَ خاسِراً. - أَتَمَنّى أنْ أَتشـرَّفَ إلَى مَكّةَ المُكرَّمَةِ. - أولى آيات القرآنِ نَزَلَت على النَّبي في غار حراءٍ. الف) اسم التّفضيل ب) اسم المَكان ج) اسم الفاعل د) اسم المفعول هـ) اسم مبالغة تَرجِمِ الكَلمات الّتي تَحتها خَطٌّ: و) هذا المزارع رَجُلٌ صَبّارٌ وَ مُحتَرَمٌ.	۲
۱۲	عيّن ما فيه الحال: ۱) لَمّا رَجَعَ النّاسُ شاهَدوا أصنامَهُم مُكَسَّرَةً. ۲) شاهَدتُ جَماعَةً مِنَ المُتَفَرِّجينَ المسرورينَ أمامَ المَلعَبِ.	۰/۲۵
۱۳	عَيِّنِ الصَّحيحَ لِلفراغِ. (كلمتانِ زائدتانِ) (دُمُوع / ذائِقَة / المُعَظَّلَة / الأقرباء / المُحافَظَة) الف) أخَذتُ سَيّارة أبي ..... إلى موقف التَّصليح. ب) عندما أرى صُوَرَ الشُّهداء في التِّلفازِ يَجرى .....ـي على أعيني. ج) عندَ الأمراضِ الصَّعبةِ قَد نَلجأُ إلى	۰/۷۵
۱۴	أكمِل الفراغ بما يكون حالاً: الف) ..... الطالبة مظلومة. (أصبَحَت، ساعَدَت، جَلَسَت) ب) رَأَيْتُ الفَلّاحِينَ ..... (وَ هُم يَجْمَعُونَ الْمَحاصيلَ، هُم يَجْمَعُونَ الْمَحاصيلَ، و يَجْمَعُونَ الْمَحاصيلَ) ج) ذَهبَ الطالبُ إلى المدرَسةِ ..... (فَرحةً، ماشياً، هو مسرورٌ)	۰/۷۵
۱۵	عَيِّن المَحَلَّ الإعرابيَّ لِما تَحته خطٌّ: الف) يَبقَي الْمُحسِنُ حَيّاً وَ إنْ نُقِلَ إلى منازِلِ الْأَمواتِ. ب) هذِهِ السَّمَكَةُ تَبلَعُ صِغارَها عِندَ الخَطَرِ.	۰/۷۵
۱۶	عيّن الصّحيح في التّحليل الصّرفيّ و المحلّ الإعرابيّ: «يُشَجِّعُ المُتَفَرِّجونَ فريقَهُمُ الفائزَ مَسرورينَ.» الف) يُشَجِّعُ: ۱) فعلٌ مضارعٌ «مَصدرهُ: تَشجيع»، حروفه الأصليّة «ش ج ع» / فعل و فاعلُه « المُتَفَرِّجونَ» ۲) فعلٌ مضارعٌ، مفردٌ مذكّرٌ غائب، مجهول / فعلٌ و جملةٌ فعليّةٌ ب) مَسرورينَ: ۱) اسم، جمعٌ مذكرٌ سالمٌ، مُعرفةٌ / صفة ۲) اسم، جمعٌ سالمٌ، نكرة، اسم المفعول / حال	۰/۵
۱۷	اِقرَأ النّصّ التّالي ثُمَّ أَجِبْ عَن الأَسئلَة: للتِّمســاح صديــقٌ مخلصٌ من الطّيور، نرى بينهما تعاملاً عجيباً. هذه الطّيورُ تَدخُل في فمِ التِّمساحِ لتَجمع بمنقارها كلَّ ما عُلِّقَ بين أسنان ذلك الحيوان من الطعام و تأكُله. فلا خطرَ يُهَدِّدُها في الدّخول إلى فم هذا الحيوان. الف) هَل يوجَدُ تَعاملٌ بين الطّيور و التّمساح؟ ب) لِمَ تَدخلُ الطّيورُ إلى فم التّمساح؟ ج) ماذا عُلِّقَ بينَ أسنان التّمساح؟ د) عيّن الصّحيح حَول التّمساح: التِّمساح ..... ۱) صديق الطّيور. ۲) يأكل الطّيورَ سريعاً.	۱
	موفّق باشيد.	۲۰

آزمون ۶

موضوع آزمون: نیم‌سال اول (۲)

صفحات پاسخ: ۶۷ تا ۶۸

امتحان نهایی: عربی ۳	رشته: ریاضی فیزیک - علوم تجربی	تألیفی	مدت امتحان: ۸۰ دقیقه

ردیف	سؤالات	نمره
۱	تَرجِم الكلمات الّتي تحتها خطٌّ: الف) مَن عاشَ بِوَجهَينِ، ماتَ خاسِراً. ب) لا لِباسَ أجمَلُ مِنَ العافِيَةِ. ج) إنَّ سَيّارَتَنا الغالِيَة مُعَطَّلَةٌ. د) يَومُ البَعثِ يَوم الحسرَة لِلكُفّار.	۱
۲	عيّن المُتضادّ و المُترادف في النّصّ التّالي: «إنّ السّيّد مُسلميّ رَجُلٌ صادِقٌ لكنَّ أخاهُ كاذِبٌ. مَن أذنَبَ وَ هُوَ يَضحَكُ، دَخَلَ النّارَ وَ هُوَ يَبكي. بَيتُ صَديقي قَريبٌ مِن دار مُدير المَدرسَةِ.» الف) ..... = ... ب) ..... ≠ ..... ج) ..... ≠	۰/۷۵
۳	عَيِّنِ الكَلِمَةَ الغَريبَة في المَعنى: ۱) الذَّهَب ۲) العَظْم ۳) النُّحاس ۴) الفِضَّة	۰/۲۵
۴	أُكتُب المطلوبَ مِنكَ: الف) جَمع كَلمَة «القَريَة»: ب) مُفردَ كلمَة «السَّيّاح»:	۰/۵
۵	انتَخِبِ الكلمَة المُناسِبَة للتّوضيحات التّاليَة: الف) مَفسدةٌ يَبتَعدُ المُؤمنُ عَنها: ..... ۱) الإحسان ۲) اللَّحم ۳) الغَضب ب) سَيّارَةٌ نَستَخدِمُها لِلعَمَلِ في المَزرَعَةِ: ..... ۱) الطّائرَة ۲) الجَرّارَة ۳) النَّظّارَة	۰/۵
۶	تَرجِمِ الآيَةَ و العبارات إلَى الفارسيَّة: الف) ﴿وَ لا تَهِنوا وَ لا تَحزَنوا وَ أنتُمُ الأعلَونَ﴾ (۰/۵) ب) لا قُدرَةَ لِلصَّنَم علَى مُساعدتِكُم. (۰/۵) ج) لَم يَصلِ المُسافِرانِ إلَى المَطار مُتَأخِّرَين فرَكِبا الطّائرَةَ. (۰/۵) د) لا يُحرِّقِ النّاسُ مَن يُريدُ أن يُنقِذَهُم مِن عبادَة الأصنامِ. (۰/۷۵) هـ) لَعلَّ مُجيبَ الدَّعَواتِ يَجعلُ التّوفيقَ حَظَّنا في الحَياة. (۰/۷۵) و) لَيتَ التَّماثيلَ المَصنوعَة مِن الأَحجار لا تُعبَدُ مِن دون اللهِ. (۰/۷۵) ز) نَقطعُ الأخشابَ بِآلَةٍ تَكونُ سِنّها العَريضَة مِن الحَديد. (۰/۷۵) ح) أُترُكوا الشّعائر الخرافيَّة لِكي تَبقوا في الصِّراط المُستَقيم. (۰/۷۵) ط) مَن لا يَرحَمِ النّاسَ لا يُرحَمْ. (۰/۵) ی) يَذكُرُ أُستاذٌ تَلاميذَهُ القُدَماءَ. يَكونُ الأستاذُ مِن أقربائي. (۰/۵) ك) لِتَتأكَّدَ سَمكةُ التّيلابيا مِن إنقاذ صِغارها تَبلَعُها عِندَ الخَطَر. (۰/۷۵)	۷
۷	اِنتَخِبِ الصّحيحَ في التَّرجَمَةِ: الف) ﴿وَ استَعينوا بِالصَّبرِ وَ الصَّلاةِ﴾ ۱) از صبر و نماز کمک خواستند. ۲) از صبر و نماز یاری بجویید. ب) أنتِ تَعلَمينَ أنَّ رِجلي تُؤلِمُني. ۱) تو می‌دانی که پایم درد می‌کند. ۲) تو می‌دانستی که پاهایم درد می‌کرد.	۰/۵
۸	كَمِّلِ الفَراغاتِ في التَّرجمة الفارسيَّة: الف) أقوَى النّاسِ يَعفو عَدوَّهُ مُقتَدِراً. ..... مردم دشمنش را با اقتدار ..... ب) سَمكةُ السَّهم تُحِبُّ أن تَأكُلَ الفَرائِسَ الحَيَّةَ. ماهی ..... دوست دارد که ..... زنده را بخورد.	۱

ردیف	سؤالات	نمره
۹	تَرجِم الأفعال التّاليَة: «تَذَكَّرَ: به یاد آورد» الف) لَن يَتذكَّرَ جدُّكَ بَعضَ ذكرياتِهِ. ب) تَذكَّروا ذِكريات الحَجِّ رَجاءً. ج) تَذكَّرَني أُستاذُ الجامعَةِ. «قَرَأَ: خواند» د) إن تَقرَأْ درسكَ تَنجحْ في الامتِحانِ. هـ) الطّالِبَتانِ تَقرَآنِ دُروسَهُما مُجِدَّتَين. و) سَوفَ نَقرَأُ دروسَنا. «شاهَدَ: دید» ز) لَم أُشاهِدْ صُوراً مِن ظاهِرَةِ مَطَر السّمكِ. ح) جَلَسْنا أمام التّلفاز و نحنُ نُشاهِدُ الحُجّاجَ.	۲
۱۰	عيّن الفعل المُناسب للفراغ: الف) ..... إخوَتي بِجَولَةٍ عِلميَّةٍ فِي الإنترنت. ۱) قامَ ۲) قامَتْ ۳) قاموا ب) إنَّكِ ..... علَى النّاسِ. ۱) لا تَتوكَّلُ ۲) لا تَتوكَّلونَ ۳) لا تَتوكَّلينَ ج) يا مُؤمنونَ ..... اسم الله علَى الطَّعامِ. ۱) أُذكُري ۲) أُذكُروا ۳) أُذكُرْنَ د) يا زَميلاتي ..... شَيئاً علَى الجِدار. ۱) لا تَكتُبي ۲) لا تَكتُبا ۳) لا تَكتُبْنَ	۱
۱۱	عَيِّنِ العِبارَةَ الّتي فيها لا النّافيةُ لِلجِنسِ: ۱) لِماذا لا تُحسِن إلَى النّاسِ؟ ۲) لا تَنصُرِ الّذي يَظلمُ لِلمُواطنينَ. ۳) لا صَديق لَكَ لِأنَّكَ مُختالٌ.	۰/۲۵
۱۲	عيّن ما فيه حرفٌ مِن الحُروف المشبهة بالفعل: ۱) إن تَصعدوا جَبل النّور فَأنتُم أقوياء. ۲) ما سافرتُ إلَى إيران لكنّني أُحبُّ المُسافرَة إليها. ۳) يُحاولُ العلماءُ أن يَعرفوا سِرّ ظاهِرَةٍ غريبةٍ.	۰/۲۵
۱۳	عَيِّنِ المَحَلَّ الإعرابيَّ للكلمات الَّتي تحتها خطٌّ: الف) ازدادَت الخُرافاتُ في أديانِ النّاسِ. ب) إنَّها تُطلِقُ قَطَراتِ الماءِ مُتَتالِيَةً مِن فَمِها إلَى الهَواءِ. ج) تكذبونَ علَى سائر النّاس و أنتُم مُسلمونَ. د) العُمّالُ مَشغولونَ بِصُنع الكَراسيّ الخَشبيَّةِ.	۲
۱۴	اِبحَثْ عَن هذه الأسماء في الجُمَلِ : يَترُكُ الرّجلُ المُوحِّدُ المَعبَد بَعد تَكسير الأصنام. - لا سوءَ أسْوَأُ مِنَ الْكَذِبِ. - لَمّا رَجَعَ النّاسُ شاهَدوا أصنامَهُم مُكَسَّرَةً. الف) اسم المَفعول ب) اسم المَكان ج) اسم الفاعل د) اسم التّفضيل تَرجِم ما تَحته خَطٌّ: هـ) ﴿جَعَلَني مِنَ المُكرَمينَ﴾ و) تَمَنّى المُزارِع: لَيتَ الْمَطَرَ يَنزِلُ كَثيراً.	۱/۵
۱۵	عيّن الصّحيح لِلفراغ: (كَلمتانِ زائدَتانِ) (الكافِرُ / أَسفَل / الحَنيفُ / أَعلَى) الف) ..... تارِكٌ لِلباطِلِ. ب) الكَتِفُ عُضوٌ يَقعُ ..... الجِذعِ.	۰/۵
۱۶	اِقرَأ النّصّ ثُمَّ أَجِبْ عَن الأَسئلَة التّاليَة: شاهدَ مُحمّدٌ شاباً مُتكبّراً في المَلعَبِ كانَ أباهُ مِن المَسؤولينَ. فَافتخرَ بِنَسبه و طلبَ مِن الآخَرين أن يَحترموه. فَجاءَ مُحمّدٌ عِندَ الشّابّ و نصحَهُ بِعدَمِ الفَخر بالنّسَبِ و قالَ لَهُ: اِعلمْ أنَّ النّاسَ لِأُمٍّ و لِأَبٍ. فَإنَّما الفَخرُ لِعقلٍ ثابتٍ و حَياءٍ و عَفافٍ و أَدَب. الف) مَن خاطبَهُ مُحمّدٌ؟ ب) ماذا طَلبَ الشّابّ المُتكبّر مِن السّائرينَ؟ ج) هَل يَكونُ الفَخرُ بالعَفاف مَذموماً؟ د) عيّن الخطأ عَن الّذي كانَ يَفخر بالنّسَب: ۱) هو كان مِن المُتواضعينَ. ۲) كانَ والِدُه مِن المَسؤولينَ.	۱
	موفّق باشید.	۲۰

آزمون ۱۵

موضوع آزمون: نیم‌سال دوم (۱)

صفحات پاسخ: ۷۹ تا ۸۰

امتحان نهایی: عربی ۳	رشته: ریاضی فیزیک - علوم تجربی	تألیفی	مدت امتحان: ۸۰ دقیقه

ردیف	سؤالات	نمره
۱	تَرجِم الكلمات الّتي تحتها خطٌّ: الف) يُحفَرُ التُّرابُ الجافُّ لِصَيدِ نَوعٍ مِنَ السَّمَكِ. ب) لِمَ لا تُوجَدُ مدرسَةٌ ثانويَّةٌ في قَريَتِنا؟ ج) هَل فاضَت عَينُ الكافِرِ مِن خَشيَةِ اللهِ؟ د) الحاجُّ استَلَمَ الحَجرَ بالكَعبَة الشّريفَةِ. (شهریور ۱۴۰۳)	۱
۲	عيّن المُتضادّ و المُترادف في العبارات التّاليَة: «الاعمالُ الصَّعبةُ التي نُحسنُها سَتُغَيِّرُ الظروف القاسية. مَن أَعانَ الفُقَراءَ نَصرَهُ اللهُ. وَجد الشّرطيّ مَحلّ اختِفاء المُجرِم فانتَظرَ ظُهورَهُ.» الف) ..... = ... ب) ..... = ... ج) ..... ≠	۰/۷۵
۳	عَيِّنِ الكَلِمَةَ الغَريبَة في المَعنى: ۱) السَّلام ۲) الصُّلح ۳) النِّزاع ۴) السَّكينَة	۰/۲۵
۴	أُكتُب المطلوبَ مِنكَ: الف) جَمع كَلمَة «الحُلْم»: ب) مُفرد كلمَة «الشَّدائِد»:	۰/۵
۵	انتَخِبِ الكلمَة المُناسبَة لِلتّوضيحات التّاليَة: الف) حيوانٌ لَيسَ لَهُ أحبالٌ صَوتيَّةٌ: ..... ۱) الزّرافَة ۲) الدُّبّ ۳) الفَأر ب) جدارٌ يَقومُ العُمّالُ بِبنائِه: ..... ۱) الأَساوِر ۲) السِّوار ۳) السّور	۰/۵
۶	تَرجِمِ الآيَة و العبارات إلَى الفارسيَّة: الف) ﴿لا يَيأَسُ مِن رَوحِ اللهِ إلّا القَومُ الكافِرونَ﴾ (۰/۵) ب) لِيُقيِّدِ العاقلُ العلمَ بالكتابَةِ لِأنَّ العلمَ صيدٌ. (۰/۷۵) ج) علَينا بالدّفاع عَن الوَطن أَمام الأعداء الّذينَ يَهجمونَ علَى بِلادِنا هُجوماً قاسياً. (۰/۷۵) د) لِمَ لا تُصدّقونَ أنّ عَدَدَ النَّملِ في العالَمِ يَفوقُ عَدَدَ البَشَرِ بِمَليونِ مَرَّةٍ تَقريباً؟ (۰/۷۵) هـ) كِلا هَذينِ التّلميذَينِ يَكونانِ جَديرَينِ بهذه المَسؤوليَّة. (۰/۵) و) مَعلوماتُنا عَن طيسفون كَثيرةٌ. فَهي كانَت عاصِمَةَ السّاسانيّينَ. (۰/۵) ز) هُناكَ عُيونٌ لا تَبكي يَومَ القيامَةِ. (۰/۵) ح) اِستَخرَجْنا الزّيتَ مِن كَبد الحوت استِخراجاً لِصناعَة مَوادّ التَّجميل. (۰/۷۵) ط) لَو لا الحاكِمِ الظّالِمِ لَرَغبَ أهلُ الشّامِ في زَين العابدينَ (ع). (۰/۷۵) ی) رُبَّ مُؤمنٍ يَسترُ حبَّهُ لِأهل البَيتِ (ع). (۰/۵) ك) لَم يَتصفَّح أعضاءُ أُسرَتي ذلكَ الكِتاب النّافع إلّا والِدي المُعمَّرُ. (۰/۷۵)	۷
۷	انتَخِبِ الصّحيحَ في التَّرجَمَةِ: الف) مَن تَعَلَّمَ الإنجليزيَّةَ مِنَ السَّيّاحِ فَهو مُجتهدٌ. ۱) کسی که انگلیسی را از گردشگران بیاموزد، از افراد تلاشگر است. ۲) هرکس که انگلیسی را از گردشگران آموخت، کوشا است. ب) يُقالُ إنّ الكتابَ المُفيد يَزيدُ قُوةَ الإنسان علَى الفَهم. ۱) گفته می‌شود همانا کتاب سودمند، نیروی انسان بر فهم را افزایش می‌دهد. ۲) می‌گویند که کتاب سودمند، نیروی انسان بر فهم را زیاد می‌کند.	۰/۵

ردیف	سؤالات	نمره
۸	كَمِّلِ الفَراغاتِ في التَّرجمة الفارسيَّة: الف) اِعلَموا أَنَّ جَذبَ الغِذاء المُناسب مِن مَزايا كُلّ جِسمٍ قويٍّ. ..... که جذب کردن غذای مناسب از مزیّت‌های ..... بدن نیرومندی است. ب) لَكَ تَجاربٌ قيّمَةٌ لكنَّ التّجاربَ لا تُغنيكَ عَن الكُتُبِ. تجربه‌های ارزشمندی .....، اما این تجربه‌ها تو را از کتاب‌ها	۱
۹	تَرجِم الأفعال التّاليَة: «دَرسَ: درس خواند، تحصیل کرد» الف) قَد دَرسَتْ والِدَتي في هذه المَدرسَةِ. ب) لَم يَدرسِ العَقّادُ في جامِعَة أنقَرَة. ج) إن تَدرسوا جيّداً تَصلوا إلَى غاياتِكُم. «اِجتهدَ: تلاش کرد» د) لِنَجتَهِدْ في المَجال الثّقافيّ. هـ) اِجتَهِدوا في قِراءة الكُتب النّافعَة. و) لا يَجتهدُ الكَسولُ لِلحُصول علَى أهدافِهِ. «واصَلَ: ادامه داد» ز) لا تُواصِلي الإصرارَ علَى الخِلافاتِ. ح) لَن يُواصِلَ حَبيبي دِراسَتَهُ فِي الجامِعَة.	۲
۱۰	اِبحَثْ عَن هذه الأسماء في الجُمَل: ﴿كُلُّ شَيءٍ هالِكٌ إلّا وَجهَهُ﴾ - لا شَيءَ أَحَقُّ بالسّجن مِن اللّسان. - ما شاهَدتُ في المَكتَبَة إلّا أحَدَ زُملائي. - الرَّجلُ العلّامَة أَكلَ الطَّعامَ المَطبوخ و شَكرَت المرأة الّتي طَبخَتهُ. الف) اسم المَفعول ب) اسم المَكان ج) اسم الفاعل د) اسم التَّفضيل هـ) اسم المبالغَة تَرجِم الكَلمات الّتي تَحتها خَطٌّ: و) أَضعَفُ النّاسِ مَنْ ضَعُفَ عنَ كِتمانِ سِرّهِ. ز) العُمّالُ المُجِدّونَ يَشتَغِلونَ في المَصنَع.	۲
۱۱	مَيِّزْ في العبارتين التّاليتين: لا يَحتاجُ السَّمكُ المَدفونُ إلَى الماءِ و الهَواءِ احتياجَ الأحياءِ. - لا يَطلبُ المُؤمنونَ الحاجَة مِن غَير أهلِها إلّا قَليلاً مِنهُم. الف) المُستثنى مِنه ب) المُستثنى ج) المَفعول المُطلَق د) نوع المفعول المُطلَق	۱
۱۲	عيّن مَصدراً يُفيدُ التَّشبيهَ: الف) أَنكَرَ هشامٌ زَين العابدينَ (ع) إنكاراً. ب) يَعيشُ البَخيلُ في الدُّنيا عَيشَ الفُقَراءِ.	۰/۲۵
۱۳	عَيِّن المَحَلَّ الإعرابيَّ لِلكلمات الَّتي تحتها خطٌّ: الف) مُدَّ رِجلَكَ علَى قَدرِ كِسائِكَ. ب) قَرَأتُ الكِتابَ التّاريخيَّ إلا مَصادِرَهُ.	۱/۲۵
۱۴	عيّن الصّحيح لِلفراغ: (كَلمتانِ زائدَتانِ) (المُصحَفُ / التَّفكُّرُ / الصَّحفيُّ / المُفكِّرُ) الف) ..... شَخصٌ يَكتُبُ مَقالاتٍ فِي الصُّحُفِ. ب) ..... العالِمُ الَّذي لَهُ أفكارٌ عميقَةٌ وَ حَديثَةٌ.	۰/۵
۱۵	اِقرَأ النّصّ ثُمَّ أَجِبْ عَن الأَسئلَة التّالية: هُناكَ طائرٌ يُسَمَّى «بَرناكِل» يَبني عُشَّهُ فَوقَ جِبالٍ مُرتَفِعَةٍ بَعيداً عَنِ المُفترِسينَ. وَ عِندَما تَكبُرُ فِراخُهُ، يُريدُ مِنها أن تَقفِزَ مِن عُشِّهَا المُرتَفِع. تَقذِفُ الفِراخُ نَفسَها واحِداً واحِداً مِن جَبَلٍ يَبلُغُ ارتفاعُهُ أكثَرَ مِن ألفِ مِترٍ. وَ تَصطَدِمُ بِالصُّخورِ عِدَّةَ مَرّاتٍ. الف) بِمَ تَصطدمُ الفراخُ عِندَما تَقفزُ مِن العُشّ؟ ب) أَينَ يُصنَعُ عُشّ بَرناكل؟ ج) أيّ طائرٍ يَطلبُ مِن فراخه القَفزَ مِن الوَكنَة؟ د) كَيفَ تَقذفُ الفراخُ نَفسَها مِن الجَبل المُرتَفع؟	۱
۱۶	عيّن الصّحيح في التّحليل الصّرفيّ و المحلّ الإعرابيّ: «ذَهَبْنا إلَى البُستانِ وَ أَكَلنا التُّفّاحاتِ وَ الرُّمّاناتِ.» الف) ذَهَبْنا: ۱) الفعل الماضي «لهُ حرفٌ زائدٌ واحدٌ»، لِلمتكلّم وَحده / فعلٌ و الجملةُ فعليّةٌ ۲) الفعل الماضي «مَصدرهُ: ذَهاب»، لِلمُتكلّم مع الغَير / فعلٌ و مع فاعله جملةٌ فعليّة ب) البُستانِ: ۱) اسم، مفردٌ، مُعرَّفٌ بِأل / مَجرورٌ بحرف جرٍّ ۲) الاسم المُثنّى، مذكّرٌ، مَعرفةٌ / مضافٌ إليه	۰/۵
	موفّق باشید.	۲۰

آزمون ۲۰

موضوع آزمون: کل کتاب (۴) - شبه‌نهایی

صفحات پاسخ: ۸۴

امتحان نهایی: عربی ۳	رشته: ریاضی فیزیک - علوم تجربی	تألیفی	مدت امتحان: ۸۰ دقیقه

ردیف	سؤالات	نمره
۱	تَرجِم الكلمات الَّتي تحتها خطٌّ: الف) نستَمِعُ إلَى نَصائح العَلَم و نَعملُ بِها. ب) رِجْلي تُؤلِمُني فَلا أصعدُ مِن الجبَل. ج) ﴿لا يَترُكُ اللهُ الإنسانَ سُدىً﴾ د) أنا واثِقٌ أنّ مُطالعَة الكُتُب تَنفعُكَ.	۱
۲	عيّن المُتضادّ و المُترادف في العبارات التّاليَة: «يا إلهي اجعَلِ التَّوفيقَ حَظّي وَ نَصيبي فِي الحَياةِ. أكْبَرُ الْحُمقِ الإغراقُ فِي الْمَدحِ وَ الذَّمِّ. قُمْ عَنْ مَجلِسِكَ لِوالِدكَ و احتَرِم أُمَّكَ.» الف) ..... = ... ب) ..... ≠ ..... ج) ..... ≠	۰/۷۵
۳	عَيِّنِ الكَلِمَةَ الغَريبَة في المَعنى: ۱) المَفسَدَة ۲) المَزرَعَة ۳) المَصنَع ۴) المَطعَم	۰/۲۵
۴	أكتُب المطلوبَ مِنكَ: الف) جَمع كَلمَة «الوَجْه»: ب) مُفرد كلمَة «الآلِهَة»:	۰/۵
۵	انتَخِبِ الكلمَة المُناسبَة لِلتّوضيحات التّاليَة: الف) جَعَلَهُ غَنيّاً لا حاجَةَ لَهُ: ..... ۱) إشتاقَ ۲) تَذكَّرَ ۳) أغنَى ب) الّذي لا يَرتكبُ المَعاصي: ..... ۱) الهاوي ۲) التَّقيّ ۳) الضّائِر	۰/۵
۶	تَرجِمِ الآيات و العبارات إلَى الفارسيَّة: الف) ﴿لا عِلْمَ لَنا إلّا ما عَلَّمْتَنا﴾ (۰/۵) ب) ﴿كُلُّ شَيءٍ هالِكٌ إلاّ وَجهَهُ﴾ (۰/۵) ج) أعتَقِدُ أنَّ الفِكرَةَ الواحِدَةَ إذا طَرَحَها ألفُ كاتِبٍ أصبَحَت ألفَ فِكرَةٍ. (۰/۷۵) د) ضَعُفَ أخي عَن كِتمان سِرّهِ و هُو يُحاولُ أن يَستُرهُ. (۰/۷۵) هـ) بَينَما كانَ يَعبد النّاسُ الأصنام إذْ دَخلَ رجلٌ حَنيفٌ في المَعبَدِ. (۰/۷۵) و) ما أنكرَ زَينَ العابدينَ (ع) إلّا أحَد خُلفاء بَني أُميَّة. (۰/۷۵) ز) قَد نالَ المُخترع الشّاب جَوائز كَثيرةً. (۰/۵) ح) كَأنّكُم لا تُحِبّونَ لإخوانكُم ما تُحِبّونَ لِأنفُسِكُم. (۰/۷۵) ط) لعلَّ اللهَ يَملأُ صَدري انشِراحاً وَ فَمي بِالبَسَماتِ. (۰/۵) ی) نُحدِّثُ الطُّلّابَ عَن سيرَةِ الأنبياءِ (ع) وَ صِراعِهِم مَعَ أقوامِهِم الكافِرينَ تَحديثاً. (۰/۷۵) ك) لِمَ تُكرِمونَ لئيماً إكرامَ الكِبار؟ (۰/۵)	۷
۷	انتَخِبِ الصّحيحَ في التَّرجَمَةِ: الف) لا يَيأسِ المُؤمنونَ مِن رَوح اللهِ. ۱) مؤمنان از رحمت خداوند ناامید نمی‌شوند. ۲) مؤمنان نباید از رحمت خداوند ناامید شوند. ب) الحوتُ يُصادُ لِاستِخراجِ الزَّيتِ مِن كَبِدِهِ. ۱) نهنگ برای خارج کردن روغن از جگرش شکار می‌شود. ۲) نهنگ را برای بیرون آوردن روغن از کبدش شکار می‌کنیم.	۰/۵
۸	كَمِّلِ الفَراغاتِ في التَّرجمة الفارسيَّة: الف) وُلِدَ الفَرزدَقُ عامَ ثَلاثَةٍ وَ عِشرينَ بَعدَ الهِجرَةِ. فرزدق در سال ..... هجری ..... ب) الزَّرّافَةُ بُكماءُ لَيسَت لَها أحبالٌ صَوتيَّةٌ. زرافه، ..... است و ..... صوتی ندارد.	۱

ردیف	سؤالات	نمره
۹	تَرجِم الأفعال التّاليَة: «ساعَدَ: کمک کرد» الف) أَحبَّتي ساعَدوني في كتابَةِ تَماريني. ب) ساعِدِ المِسكين الَّذي لا ناصرَ لهُ. ج) قَد ساعَدتُ حَبيبي في جَمع مَحصول مَزرعَتِهِ. «طَبَخَ: پُخت» د) لِأَطبُخْ طَعاماً لِلأُسرَة. هـ) لِمَ لا تَطبُخينَ طَعاماً للضُّيوفِ؟ و) طُبِخَتْ أَغذيةٌ لَذيذَةٌ. «سَجدَ: سجده کرد» ز) ما سَجدَ إبليس لِآدَم. ح) لَن يَسجدَ الكافرونَ للهِ.	۲
۱۰	اِبحَثْ عَن هذه الأسماء في الجُمَلِ: يَذهَبُ الصَّيّادونَ الإفريقيّونَ لِصَيدِ سَمكٍ عَجيبٍ. يَومُ الْعَدلِ عَلَى الظّالِمِ أَشَدُّ مِن يوم الجَوْر علَى المَظلوم. يَشتدُّ الازدحامُ أمامَ المَلاعِبِ. الف) اسم المَفعول ب) اسم المَكان ج) اسم الفاعل د) اسم التَّفضيل هـ) اسم المبالغَة تَرجِمِ الكَلمات الّتي تَحتها خَطٌّ: و) أضافَ العَقّادُ إلَى المَكتَبَةِ العَرَبيّةِ أكثَرَ مِن مِئَةِ كِتابٍ. ز) لِمَ تحفرونَ التُّرابَ الجافَّ؟	۲
۱۱	مَيِّزْ في العبارات التّاليَة: جَلسَـتْ أَخَواتي بَينَ الشّـجرَتَين إلّا فاطمَـةَ. - وَصَلَ المُسافِرانَ إلَى المَطار مُتَأَخِّرَينِ ولكنّهما رَكِبَا الطّائِرَةَ. - أَنشَـدَ الفَرزدَقُ هذِهِ القَصيدَةَ إنشاداً رائِعاً. الف) الحال ب) المُستثنى مِنه ج) المُستثنى د) المَفعول المُطلَق هـ) نوع المفعول المُطلَق	۱/۲۵
۱۲	عَيِّن المَحَلَّ الإعرابيَّ لِلكلمات الَّتي تحتها خطٌّ: الف) بَقِيَ إبراهيمُ (ع) وَحيداً فَحَمَلَ فَأساً وَ كَسَّرَ جَميعَ الأصنامِ. ب) يَقدرُ هذا الحَيوانُ اللَّبونُ علَى الطَّيَرانِ.	۱/۲۵
۱۳	عيِّن الصّحيح لِلفراغ: (كَلمتانِ زائدَتانِ) (التَّكَبُّرَ / يَطرُقُ / التَّواضُعَ / يَطوفُ) الف) ..... الحُجّاجُ مَرّاتٍ حَولَ بَيتِ اللهِ لِأداءِ مَناسِكِ الحَجِّ. ب) جَعَلَ اللهُ ..... آلَةَ العَقلِ فاعلَم أنّ الحكمَة لا تَعمرُ في قَلب الجَبّارِ.	۰/۵
۱۴	اِقرَأ النّصّ ثُمَّ أَجِبْ عَن الأَسئلَة التّالية: سَمَكَةُ السَّهمِ مِن أعجَبِ الأسماكِ في الصَّيدِ. إنَّها تُطلِقُ قَطَراتِ الماءِ مُتَتالِيَةً مِن فَمِها إلَى الهَواءِ بِقُوَّةٍ تُشبِهُ إطلاقَ السَّهمِ وَ تُطلِقُ هذا السَّهمَ المائِيَّ في اتِّجاهِ الحَشَراتِ فَوقَ الماء وَ عِندَما تَسقُطُ الحَشَرةُ عَلَى سَطحِ الماءِ تَبلَعُها حَيَّةً. هُواةُ أسماكِ الزّينَةِ مُعجَبونَ بِهذِهِ السَّمَكَةِ وَ لكِنَّ تَغذِيَتَها صَعبَةٌ عَلَيهِم لِأنَّها تُحِبُّ أن تَأكُلَ الفَرائِسَ الحَيَّةَ. الف) كيفَ تَبلَعُ سَمكةُ السَّهمِ الحشرَة الواقعَة علَى سَطح الماء؟ ب) مَتى تَبلَعُ سَمكةُ السَّهمِ الحشرَة؟ ج) مَن يُحبّونَ سَمكةَ السَّهمِ كَثيراً؟ د) لِماذا تَكونُ تَغذيَةُ سَمكةِ السَّهمِ مِن الأُمورِ الصَّعبَة؟	۱
۱۵	عيّن الصّحيح في التّحليل الصّرفيّ و المحلّ الإعرابيّ: «عَلَّمْتُ أولادي القُرآنَ تَعليماً جَيّداً.» الف) عَلَّمْتُ: ۱) الفعل الماضي «لَيسَ لهُ حرفٌ زائدٌ»، مَعلومٌ / فعلٌ و الجملةُ فعليّةٌ ۲) الفعل الماضي، لِلمُتكلّم وحده / فعلٌ و مع فاعله جملةٌ فعليّةٌ ب) تَعليماً: ۱) اسم، مفردٌ، مذكّرٌ، وزنُهُ: «تَفعيل»، نكرةٌ / مفعولٌ مطلقٌ ۲) اسم، مفردٌ، حروفه الأصليّة «ع ل م»، مَعرفةٌ / حالٌ	۰/۵
	موفّق باشید.	۲۰

مثـال: «يَخـرُجُ الرّجالُ المِضيافونَ مـع ضُيوفهم إلَى بابِ الـدّار.» ج) لا تَغضَبْ (ص ۱۲) (۰/۲۵) – در جـای خالـی بایـد فعل نهی از صیغهٔ مفـرد مذکّر مخاطب «لا تَغضَـبْ» بیاید؛ زیرا اسم مفرد مذکّر «شابّ» مورد خطاب قرار گرفته است. د) ما ذَکرا (ص ۱۲) (۰/۲۵) – در جای خالی باید فعل ماضی منفی از صیغهٔ مثنّی مذکّر غائب «ما ذَکرا» بیاید؛ زیرا این فعل دربارهٔ اسم مثنّی مذکّر «أَخَوانِ» آمده است. – نکته: هرگاه اسم مثنّی، مضاف واقع شود؛ «ن» آخر آن حذف می‌شود. مثال: «أَخَوان + ضمیر متصل (ـكَ) = أَخَواكَ: دو برادرت»

۱۱ الف) أصغَر (ص ۴) – نکته: اسم تفضیل در حالت مذکّر بر وزن «أَفعَل» می‌آیـد. مثـال: «أَصغَـر: کوچک‌تریـن». ب) المَدرسَـة (ص ۱۵) – «المَدرسَةِ: مدرسه» اسم مکان بر وزن «مَفعَلَة» است.
«عُشّ: لانه» و «صالَة: سالن» اسم مکان نیستند؛ زیرا بر وزن اسم مکان نیامده‌اند. ج) مُفتَرِساً (ص ۱۵) – نکته: اسم فاعل از فعل ثلاثی مزید «فعل بیش از سه حرفی» از فعل مضارع از صیغهٔ مفرد مذکّر غائب ساخته می‌شود. در این حالت، حرف «مُـ» جایگزین حرف مضارعه می‌شود و دومین حرف از حروف اصلی فعل، کسره «ـِـ» می‌گیرد. مثال: «مُفتَرِس» اسم فاعل از «یَفتَرِسُ» به معنای «شکارچی، درنده» است. د) مَکسورٌ (ص ۱۵) – نکته: اسم مفعول از فعل ثلاثی مجرّد «فعل فقط سه حرفی» بر وزن «مَفعول» ساخته می‌شود. مثال: اسم مفعول از فعل «کَسَرَ» به صورت «مَکسور» می‌آید. هـ) بدتر (ص ۸) – نکته: اسم تفضیل بر مفهوم برتری دلالت دارد و در حالت مذکّر بر وزن «أَفعَل» می‌آید. مثال: «أَسوَأ: بدتر». – نکته: هرگاه پس از اسم تفضیل، حرف جرّ «مِن» بیاید (أَفعَلُ مِن ...)، معنای «برتر» دارد. مثال: «لا سوءَ أَسْوَأُ مِنَ الْکَذِبِ: هیچ بدی، بدتر از دروغگویی نیست.» و) نقدکنندگان (ص ۱۲) – «نُقّاد» جمع مکسّر و اسم فاعل به معنای «نقدکنندگان» است. – نکته: در جمله‌های مکسر برای تشخیص وزن آن‌ها باید به مفرد آن‌ها مراجعه کرد. نُقّاد: مفرد ناقِد، اسم فاعِل. (هر مورد ۰/۲۵)

۱۲ ۲ (ص ۵ و ۶) (۰/۲۵) – در گزینـهٔ (۲)، «لَیتَ» از حروف مشبّهة بالفعل بـه معنـای «کاش» است و بـرای بیان آرزو به کار رفته اسـت. – در گزینهٔ (۱)، «إنْ» ادات شـرط بـه معنای «اگر» است. در گزینهٔ (۳)، «أنْ» در «أنْ أَصِفَ» از حروف ناصبه به معنای «که» است که بر سر فعل مضارع «أَصِفَ» آمده است. در همیـن گزینه «لَکُنَّ» به معنای «برای شما» است و نباید آن را با «لِکِنَّ: ولی» کـه از حروف مشبّهة بالفعـل است، اشتباه بگیریـم «ای دوستانم می‌خواهم که برای شما جشنی خانوادگی را توصیف کنم که هرگز آن را فراموش نخواهم کرد.»

۱۳ ۳ (ص ۸) (۰/۲۵) – نکتـه: «لا»ی نفـی جنس بر سر اسم می‌آید و وجود چیـزی را به صـورت کامل نفی می‌کنـد. فراموش نکنیم که بعـد از «لای» نفی جنس اسمی می‌آید که نه «ال» دارد و نه «تنوین» و حرکت فتحه «ـَـ» دارد.
در گزینهٔ (۳)، «لا» در «لا حاجةَ لَهُ» از نوع لای نفی جنس می‌باشد و «لا حاجةَ لَهُ» به معنای «هیچ نیازی ندارد» می‌باشد.
در گزینهٔ (۱)، «لا» در «أَلّا یَبتَعِدوا» از نوع «لا»ی نفی مضارع است. در گزینهٔ (۲)، «لا» در جواب کلمهٔ پرسشی «هَل» آمده است. – نکته: هرگاه میان حروف «أَن، کَي، لِکَي، حَتّی» و فعل مضارع، حرف «لا» بیاید؛ از نوع لای نفی مضارع می‌باشد. مثال: «أَلّا یَبتَعِدوا = أَنْ لا یَبتَعِدوا: که دور نشوند» – نکته: هرگاه پس از حرف «أَنْ» فعل مضارع بیاید؛ فعل مضارع به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود. مثال: «أَلّا یَبتَعِدوا = أَنْ لا یَبتَعِدوا: که دور نشوند»

۱۴ الف) إنَّ – «إنَّ» از حروف مشبّهة بالفعل به معنای «همانا» است و ابتدای جملـه می‌آید و جمله را تأکید می‌کنـد. مثال: «إنَّ المَصاعب کالنّار تُقوّي إرادتك: همانـا گرفتاری‌هـا مانند آتش است که ارادهٔ تو را قوی می‌کند.» ب) لَعلَّ – نکته: «لعـلَّ» از حروف مشبّهة بالفعل به معنای «شایـد، امید است» می‌باشد و برای بیان امید به کار می‌رود. مثال: «لَعلَّ حامداً یَحفظ هذه الجملات الذّهبیَّة: شاید حامـد این جملات طلایـی را حفظ کند.» ج) لا – در جای خالی باید «لا»ی نفی جنـس بیاید «با خردمندانی همنشینی می‌کنـم که هیچ علاقه‌ای به دروغ گفتن ندارنـد». فراموش نکنیم که بعـد از «لا»ی نفی جنس اسمی می‌آید که نه «ال» دارد و نه «تنوین». (ص ۱۵) (هر مورد ۰/۲۵)

۱۵ الف) لای نفی مضارع – نکته: حرف «لا» منفی‌کنندهٔ فعل مضارع است و تغییـری در انتهای فعل مضارع ایجاد نمی‌کند. مثال: «لا أُسافِرُ: سفر نمی‌کنم». ب) لای نفی جنس – «لا» در «لا فَضلَ» از نوع لای نفی جنس است «ثروتمند بر نیازمند هیچ برتری ندارد». فراموش نکنیم که بعد از لای نفی جنس اسمی می‌آید که نه «ال» دارد و نه «تنوین». ج) لای نهی – «لا» در «لا تَجتَنِبْ» از نوع لای نهی است. – نکته: برای ساختن فعل نهی، «لای نهی» را بر سر فعل مضارع می‌آوریم و آخر فعل را ساکن می‌کنیم و «ن» آخر فعل را به جز در صیغهٔ جمع مؤنّث حذف می‌کنیـم. مثال: «لای نهـی + نَجتَنِبُ = لا نَجتَنِبْ: نباید پرهیز کنیم». – نکته: فعل نهی در صیغه‌های غائب و متکلّم به صورت «نباید + مضارع التزامی» ترجمه می‌شود. مثال: «لا نَجتَنِبْ: نباید پرهیز کنیم» (ص ۷ و ۸) (هر مورد ۰/۲۵)

۱۶ المَساکیـن: مفعول / مِمّا: جار و مجرور (ص ۱۲) (هر مورد ۰/۲۵) – نکته: مفعـول در جملـهٔ فعلیه، معمولاً پس از فاعل می‌آیـد و کار بر آن انجام می‌شود. مفعول در ترجمه معمولاً همراه با حرف اضافهٔ «را، به، برای، از، با و...» می‌آید. «المَساکین» مفعول است و در ترجمه همراه با حرف اضافهٔ «به» می‌آید «به درماندگان خوراک ندهید.» – نکته: به ترکیب حرف جرّ و اسم پس از آن، جارّ و مجرور می‌گویند. مثال: «مِن + ما = مِمّا: جار و مجرور»

۱۷ الـف) ۱ – «یَنـزِلُ» فعل مضارع از صیغهٔ مفـرد مذکّر غائب و فعل فقط سه حرفی است و هرگز مصدر آن بر وزن «تَفعیل» و به صورت «تَنزیل» نمی‌آید. ب) ۲ – «المَطرُ» فاعل و انجام‌دهندهٔ کار است «باران بر مردم فرود می‌آید». – نکته: فاعل، انجام‌دهندهٔ کار یا دارندهٔ حالت است و همواره پس از فعل در جمله می‌آید. (ص ۱۵) (هر مورد ۰/۲۵)

۱۸ الـف) الجائِـعُ (ص ۱۵) – کـودک «گرسنـه» به دنبـال غذا اسـت. ب) الصِّراع (ص ۳) – هدف پیامبران از «کشمکش» با مردمان کافر خود، هدایت کردن آن‌ها بود. دو کلمهٔ «الفَریسَةُ: شکار» و «الشَّعائِر: مراسم» اضافی هستند. (هر مورد ۰/۲۵)

۱۹ **ترجمـهٔ متن درک مطلب:** حضرت ابراهیم (ع)، پدر پیامبر خدا اسماعیل (ع) و پیامبر خدا اسحاق (ع) است، و اسحاق (ع) پدر پیامبر خدا یعقوب (ع) است. خداونـد حضرت ابراهیـم (ع) را به سوی قومش در عراق فرستـاد. آن‌ها بُت‌ها و ستاره‌هـا و چیزهایـی را که بـه عبادت‌کننده‌هـای آن‌ها سـود نمی‌رسانْد، عبادت می‌کردند. پدر ابراهیم (ع) بُت‌ها را برای مردم می‌ساخت تا آن‌ها را عبادت کنند.
الف) ابراهیم (ع) – چه کسی پدربزرگ پیامبر خدا یعقوب (ع) بود؟ حضرت ابراهیم (ع).
ب) لا «لا، ما کانَت الأصنامُ تَنفَعُ قَومَ إبراهیم (ع).» – آیا بُت‌ها به قوم حضرت ابراهیم (ع) سود می‌رساندند؟ خیر «خیر، بُت‌ها به قوم حضرت ابراهیم (ع) سود نمی‌رساندند.»
ج) في العراق – قوم حضرت ابراهیم (ع) کجا زندگی می‌کردند؟ در عراق د) ۱ – گزینهٔ صحیح را دربارهٔ پدر حضرت ابراهیم (ع) مشخّص کن: گزینهٔ (۱): او سازندهٔ بُت‌ها بود. (صحیح) گزینهٔ (۲): او از پیامبران (ص) بود (غلط). (ص ۳) (هر مورد ۰/۲۵)

پاسخ آزمون (۳) – درس دوم

۱ الـف) قلّـه (ص ۲۰) ب) عجیب‌تریـن (ص ۳۰) ج) پی‌درپـی (ص ۳۰) د) تعمیرکار (ص ۲۵) (هر مورد ۰/۲۵)

۲ الـف) إستَطاعَ = قَـدَرَ (ص ۱۷) – «إستَطاعَ» و «قَدَرَ» با هم مترادف و به معنـای «توانسـت» هستند. ب) یَصعَد ≠ یَنزل (ص ۲۰) – «یَصعَد: بالا برود» و «یَنـزل: پایین بـرود» با هم متضاد هستنـد. ج) الشابّ ≠ العجـوز (ص ۲۳) – «الشابّ: جوان» و «العجوز: پیر» با هم متضاد هستند. (هر مورد ۰/۲۵)

۳ ۲ – «المِلَـفّ» (ص ۲۶) (۰/۲۵) – «الدَّم: خـون»، «العَظم: استخوان» و «اللَّحم: گوشت» با هم ارتباط معنایی دارند؛ اما «المِلَفّ: پرونده» از نظر معنایی ارتباطی با سایر کلمات ندارد.

۴ الـف) القِمَـم (ص ۲۰) ب) الحـاجّ (ص ۱۸) – نکته: دقـت شود که مفرد «الحُجّـاج» در عربی «الحاجّ» است و واژهٔ «حاجی» فارسی است و در عربی بکار نمی‌رود. (هر مورد ۰/۲۵)

۵ الـف) ۳ «المَطـار» (ص ۱۸) – «فرودگاه»، مکانـی است برای پرواز کردن هواپیماهـا در کشـور (ترجمهٔ سایر کلمات به ترتیـب: تلویزیون، چادرها) ب) ۱ «الأسنـان» (ص ۲۶) – «دندان‌ها»، عضـوی از اعضای بدن که در دهان ما واقع است. (ترجمهٔ سایر کلمات به ترتیب: شانه‌ها، چشم‌ها) (هر مورد ۰/۲۵)

۶ الف) پروردگارا، به ما در دنیا و در آخرت نیکی بده. (ص ۲۷) (۰/۵) ب) ای نفس آرام، با خشنودی (خود) و رضایت (خدا) به سوی پروردگارت بازگرد. (ص ۲۴) (۰/۷۵) ج) هرکه گناه کند در حالی که می‌خندد، وارد جهنم می‌شود در حالی که گریـه می‌کند. (ص ۳۱) (۰/۵) د) قطعاً خداونـد اولین آیات قرآن را بر پیامبر در غار حرا نازل کرد. (ص ۲۰) (۰/۵) هـ) علاقمندان ماهی تیرانداز شیفتهٔ این ماهی هستند. (ص ۳۰) (۰/۵) – نکته: «هُواةٌ» جمع مکسر«هاوی» به معنی «طرفدار، علاقمند» و اسم فاعل است. و) تراکتور ماشینی است که برای کار در مزرعه به‌کار گرفته می‌شود. (ص ۲۵) (۰/۵) – نکته: «تُستَخدَمُ» فعل مضارع مجهول است. ز) همـهٔ مسلمانـان هنگامی کـه حاجی‌هـا را در تلویزیون می‌بینند، بـه حج مشتاق می‌شونـد. (ص ۱۹) (۰/۷۵) – نکتـه: دقت شود در این جمله «کلّ» + اسم جمع است و به معنی «همهٔ مسلمانان» است. ح) گویا پای یکی از تماشاچیان درد می کند در حالـی کـه او نمی‌توانـد بـه بالای کـوه صعـود کنـد. (ص ۲۰ و ۲۳) (۰/۷۵) – نکتـه: «أعلی» با وجود اینکه اسم تفضیل است ولی گاهی بصورت «بالا» ترجمه می‌شود. ط) آیا دیدید غار ثوری که پیامبر (ص) در راه هجرتش به آن پناه برد؟ (ص ۲۰) (۰/۷۵) ی) زائـران با تأخیـر به فرودگاه رسیدند و سوار هواپیما نشدند. (ص ۲۳) (۰/۷۵) ك) خـدای من، با لطفـت با ما رفتار کن و با عدالت خود با ما رفتار نکن. (ص ۲۹) (۰/۷۵)

۷ الف) ۱ (ص ۳۰) – «حَیَّة» در این عبارت حال است و باید در ترجمهٔ حال دقت شود که بین حال و اسم قبل از آن فاصله (با، به، را، از ،در حالی که، ویرگول و ...) باشد. در گزینهٔ (۲) به‌صورت صفت ترجمه شده که اشتباه است. ب) ۲ (ص ۲۴) – «هُـوَ یَجمَعُ المَحصولَ» جملهٔ حالیه است و در ترجمه «در حالی که» می‌آید. «یَجمَـعُ» فعـل مضـارع درون جملهٔ حالیه است و چـون قبل از آن، فعل ماضی «رَأیتُ» ماضی آمده است؛ لذا «یَجمَعُ» به صورت ماضی استمراری «جمع می کرد» ترجمه می‌شود. (هر مورد ۰/۲۵)

۸ الف) قوی‌ترین / با اقتدار (ص ۳۱) – نکته: «أقوی» اسم تفضیل است و بـا توجـه به اسم بعدش بـه صورت صفت عالـی «قوی‌تریـن» ترجمه می‌شود. «مقتـدراً» در ایـن جمله حال اسـت و به‌وسیلهٔ «با» ترجمه می‌شـود. ب) به یاد مـی‌آورم / عبادت می کرد (ص ۲۰) – نکته: «أتَذَکَّـرُ» فعل مضارع متکلم وحده اسـت و به معنـی «به یاد می‌آورم» است. همچنین «کـانَ ... یَتَعَبَّدُ» با توجه به نکتـهٔ «کـان + مضارع» به‌صـورت ماضی استمـراری (عبادت می کـرد) ترجمه می‌شود. (هر مورد ۰/۲۵)

۹ الف) خودداری کرده بود – «کان» همراه «قد» و فعل ماضی به‌صورت ماضی بعید فارسی ترجمه می‌شود. (ص ۲۸) ب) خودداری نکنید – نکته: برای ساختنِ فعل نهی مخاطب، «لای نهی» را بر سر فعل مضارع از صیغهٔ مخاطب می‌آوریم و آخر فعل را ساکن می کنیم و «ن» آخر فعل را به جز در صیغهٔ جمع مؤنّث حذف می کنیم. مثال: «لای نهـی + تَمتَنِعونَ = لا تَمتَنِعوا: خودداری نکنیـد» (ص ۲۸) ج) گاهی خودداری می کنید – «قَد» همراه با فعل مضارع به صورت «گاهی + مضارع» و یا «شاید + مضارع التزامـی» ترجمه می‌شـود. (ص ۲۸) د) به یاد نیاوردم، به یاد نیاوردم‌ام – نکته: هرگاه پـس از حرف «لَم» فعل مضارع بیاید؛ فعل مضارع به صورت «ماضی سادهٔ منفی» یا «ماضی نقلی منفی» ترجمه می‌شود. مثال: «لَم أتَذَکَّر: به یاد نیاوردم، به یاد نیاورده‌ام» (ص ۲۹) هـ) نباید به یاد بیاورند – برای ساختنِ فعل نهی غائب، «لای نهی» را بر سر فعل مضارع از صیغهٔ غائب می‌آوریم و آخر فعل را ساکن می کنیم و «ن» آخر فعل را به جـز در صیغهٔ جمع مؤنّث حذف می کنیم و در ترجمـهٔ نهی غائب از «باید + مضارع التزامی» استفاده می کنیم. مثال: «لای نهی + یَتَذَکَّروا = نباید به یاد بیاورند» (ص ۲۹) و) به یاد بیاورید – «تذَکَّروا» می‌تواند فعل ماضی یا امر باشد. در این عبارت با توجه به ضمیر متصل مخاطب «کم» در «شبابکم» فعل امر است. (ص ۲۹) (هر مورد ۰/۲۵)

۱۰ الف) ضَعیفاً: حال / انسان در حالت ناتوانی آفریده شد. (ص ۲۴) (۰/۵) – نکته: مفعول در جملات فعلیه نقش اصلی و حال نقش تکمیلی جمله است و در این جمله فعل «خُلِـقَ» مجهول است و از آنجا که جملات مجهول، مفعول ندارند پس «ضَعیفاً» حال است. ب) هُوَیَجُرُّ: جملهٔ حالیه / دوستش آمد درحالی که ماشینی را با تراکتور می کشید. (ص ۲۳) (۰/۵) – نکته: گاهی حال به صورت یک جملهٔ اسمیه همراه با واو حالیه و به دنبال آن یک ضمیر می‌آید. در این عبارت، فعل جملهٔ حالیه مضارع است و با توجه به فعل ماضی جملهٔ قبل به‌صورت ماضی استمراری ترجمه می‌شود.

۱۱ الف) أولی (ص ۲۰) – اسم تفضیل برای مذکر بر وزن «أفعَل» و مؤنّث بر وزن «فُعلـی» است. در این عبارت «أُولی» اسم تفضیل مؤنّـث و مذکر آن «أوّل» است. ب) مَوقِـفِ (ص ۲۵) – اسـم مکـان بر وزن «مَفعَـل»، «مَفعِـل» و «مَفعَلَة» است. ج) خاسِـراً (ص ۳۱) – در ثلاثـی مجرّد اسم فاعل بر وزن «فاعِل» است. د) المُکرَّمَةِ (ص ۱۸) – نکته: اسم مفعول از فعل ثلاثی مزید «فعل بیش از سه حرفی» از فعل مضـارع از صیغـهٔ مفرد مذکّر غائـب ساخته می‌شود. در این حالـت، حرف «مُـ» جایگزین حرف مضارعه می‌شود و دومین حرف از حروف اصلی فعل، فتحه «ـَـ» می گیرد. هـ) السَّیّارَةَ (ص ۲۵) – اسم مبالغه بر وزن «فَعّال» و «فَعّالة» است. اسم مبالغـه می‌تواند علاوه بر صفت به شغـل، ابزار، وسیله و دستگاه نیز دلالت داشته باشـد. و) کشـاورز / بسیار صبور / مورد احتـرام (ص ۲۵) – واژهٔ «المزارع» را اگر با فتحه حرف میم «المَزارع» بخوانیم جمع مکسر «المَزرَعَة» و اسم مکان و به معنی «مزرعه‌هـا» است ولـی اگر با ضمه حرف میم «المُزارع» خوانده شود مفرد مذکر و اسـم فاعـل و به معنی «کشاورز» است. در این عبارت با توجه به اسم اشاره «هذا» که مفرد مذکر است پس «المُزارع» اسم فاعل و به معنی «کشاورز» است.

«صَبّارٌ» اسم مبالغه است و اسم مبالغه اگر صفت باشد و شغل و ابزار نباشد با پیشوند «بسیار ...» ترجمه می‌شود.

«مُحتَرَمٌ» اسم مفعول است و اسم مفعول با پسوند «... شده» و یا پیشوند «مورد ...» ترجمه می‌شود. (هر مورد ۰/۲۵)

۱۲ گزینـهٔ (۱) (۰/۲۵) – در ایـن جملـه «مُکَسَّرَةً» نکـره و حالت «أصنامَ» را بیـان می کند. (هنگامی که مردم برگشتنـد، بت‌های خود را شکسته دیدند) ولی در گزینهٔ (۲) «المسرورینَ» معرفه است و نمی‌تواند حال باشد و در اینجا صفت است. (گروهی از تماشاچیان خوشحال را مقابل ورزشگاه دیدم)

۱۳ الـف) المُعَطَّلَـة (خراب‌شده) / ماشین خراب پدرم را بـه تعمیرگاه بردم. ب) دموع (اشک‌ها) / هنگامی که تصویر شهدا را در تلویزیون می‌بینم اشک‌هایم بـر چشمانـم جاری می‌شـود. ج) الأقرِبـاء (خویشاوندان) / هنگـام بیماری‌های سخت گاهی به خویشاوندان پناه می‌بریم.

دو کلمهٔ باقی‌مانده (ذاتِقَة: چشنده و المُحافَظَة: استان) مناسب جملات نیست. (هر مورد ۰/۲۵)

۱۴ الف) جَلَسَت – در صورتی که «أصبحت» در جای خالی باشد «مظلومةً» خبر فعـل ناقصه خواهد شـد و در صورتی که «ساعَدَت» در جای خالی باشد «مظلومةً» مفعـول می‌شود. ولی «جَلَسَت» فعل لازم است و «الطالبةُ» فاعل و «مظلومةً» حال اسـت. (ص ۲۲) – ترجمـه: أصبحـت الطالبةُ مظلومـةً : دانش‌آمـوز مظلوم شد. ساعَـدَت الطالبـةُ مظلومـةً: دانش‌آموز یک مظلـوم را یاری کـرد. جَلَست الطالبةُ مظلومةً: دانش‌آموز مظلومانه نشست. ب) وَ هُم یَجْمَعُونَ الْمَحاصیلَ (الگوی جملهٔ حالیـه حتمـاً «واو»بـه همراه یک ضمیـر منفصـل می‌باشـد) (ص ۲۴) ج) ماشیاً – «الطالب» مرجع حال و مفرد مذکر است، پس حال «فَرِحةً» که مؤنّث است صحیح نیست. ضمناً «و هو مسروراً» جملهٔ حالیه و یک جملهٔ اسمیه است که «هُوَ» مبتدا و «مسرور» خبر است و باید مرفوع باشد. (ص ۲۴) (هر مورد ۰/۲۵)

۱۵ الف) الْمُحسِنُ: فاعل / خَیّاً: حال (ص ۳۱) ب) الخَطَرِ: مضاف‌الیه (ص ۳۰) (هر مورد ۰/۲۵)

۱۶ الف) گزینهٔ (۱) – در گزینهٔ (۲) مجهول اشتباه است. حرکت عین‌الفعل در فعل مجهول فتحه است. ب) گزینهٔ (۲) – در گزینهٔ (۱) معرفه و صفت غلط است. (هر مورد ۰/۲۵)